



## فلسفه در حکم مدرسه و عرفان در حکم دانشگاه است

استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی با بیان اینکه تنها چیزی که ما را به عالم بی نهایت و فراطبیعی وصل می کند، قلب انسان است، گفت: نسبت میان فلسفه و عرفان به رابطه میان مدرسه و دانشگاه می ماند. فلسفه در حکم مدرسه و عرفان در حکم یک دانشگاه است.

استاد بازنشسته فلسفه و عرفان اسلامی با بیان اینکه تنها چیزی که ما را به عالم بی نهایت و فراطبیعی وصل می کند، قلب انسان است، گفت: نسبت میان فلسفه و عرفان به رابطه میان مدرسه و دانشگاه می ماند. فلسفه در حکم مدرسه و عرفان در حکم یک دانشگاه است.

دکتر حشمت الله ریاضی درباره نسبت فلسفه و عرفان در فلسفه اسلامی به خبرنگار مهر گفت: فلسفه در اسلام اصولاً مبتنی بر مبانی عقل است، اما عرفان بر مبانی قلبی استوار است، به طور کلی مسائل عالم زمینی، اجتماع، شریعت، علم و به طور کلی مسائل مربوط به جامعه با مبانی عقل قابل بررسی است، اما مسائلی که مربوط به ماوراء طبیعه و ماوراء انسان و مربوط به جهان دیگری باشد از محدوده درک و فهم عقل خارج می شود.

وی افزود: فلاسفه در این بحث متوقف می شوند، عده ای عالم ماوراء را انکار می کنند، اما عرفا ماهیت عالم ماوراء را قبول کرده و معتقدند انسان با ابزار دیگری می تواند به آن دست پیدا کند و راه دستیابی دیگر عقل نیست بلکه فراعقل و به واسطه قلب است.

ریاضی در توضیح استفاده از این ابزار برای دستیابی به عالم دیگر گفت: قلب عبارت است از رابطی که میان روح خدا و انسان است یعنی کارگزار روح الهی در وجود انسان، قلب است. همان طور که این رابط در بدن ما خون کثیف را از بین می برد و خون تمیز را جایگزین می کند، در عالم ماوراء نیز به همین شکل ایفای نقش کرده و رابط بین روح انسان است با روح کل. به عبارت دیگر از یک طرف با روح کل ارتباط دارد و از طرف دیگر با روح انسان.

این استاد فلسفه و عرفان تصریح کرد: عرفا معتقدند هر قدر قلب توسعه یابد یا به عبارت دیگر صیقل داده شود و شرح صدر پیدا کند همچون آینه می شود. در این صورت روح کل در آن نفوذ پیدا می کند، انوار حق به آن می تابد و تابش این نور بر وجود انسان نیز منعکس شده و انسان می تواند واقعیت های هستی را ببیند. در اینجا باید با عرفان این موضوع را درک کرد و با عقل نمی توان به درک درست و منطقی از آن رسید. کما اینکه در مورد معراج پیامبر (ص) گفته شده ایشان تا آسمان چهارم با جبرئیل عقل رفت و بعد از آن در براق عشق نشست، عشق از قلب انسانی نشأت می گیرد، در واقع این قلب انسان که کارگزار روح است امکان ورود به عالم بالا را دارد. این شعر را شنیده ایم: ما ز بالاییم و بالا می رویم/ما ز دریاییم و دریا می رویم.

وی یادآور شد: تنها چیزی که ما را به عالم بی نهایت و فراطبیعی وصل می کند، قلب انسان است و عرفا اهمیت بسیاری برای این موضوع قائل هستند. بنابراین قلب انسان تصفیه می کند و در صورتی که این تصفیه به طور تمام و کمال به انجام برسد انسان به کمال قلب دست پیدا می کند و در آنجا مشاهده نیز آسان می شود. راجع به معراج پیامبر (ص) گفته شده: آنچه قلبش دید تکذیب نبود.

ریاضی در پایان گفت: نسبت میان فلسفه و عرفان به رابطه میان مدرسه و دانشگاه می ماند. فلسفه در حکم مدرسه و عرفان در حکم یک دانشگاه است. فلسفه مربوط به عالم طبیعت، ماده و اجتماع است و عرفان عالم فرا ماده و ماوراء طبیعه را شامل می شود. الهامات، اشراقات، مکاشفات و شهود از طریق قلب انسان درک شده و در وجود آدمی جریان پیدا می کند. در این بین عقل نیز تغذیه می شود.